



عبدالحسین تلاش

جون ۲۰۱۰

ماست مالی در سخن پردازی

همه میدانند که اخیراً لیام فاکس، وزیر دفاع دولت جدید انگلیس همراه با ویلیام هیگ وزیر خارجه و اندرو میچل وزیر توسعه بین الملل برای نخستین بار پس از به قدرت رسیدن حزب محافظه کار انگلشور، به افغانستان (مثل دیگر دولتمردان کشورهای اشغالگر، بدون کدام اطلاع قبلی به سران رژیم دولت نامنهاد مافیایی و مفسد)، سفر «غیرمترقبه» نمودند.

در این نیشته به مقاصد مجهول و معلوم دیگر این سفر، کاری نداریم. اما آنچه سزاوار گفتن است سخنان اهانت آمیزی که از بلند پایه ترین رجال سیاسی رژیم دست راستی انگلیس، آقای لیام فاکس و به مسخره گرفتن مردم افغانستان است که بایست روی آن مکتی صورت گیرد:

لیام فاکس به تاریخ ۲۱ ماه می، در مصاحبه یی با روزنامهء تایمز، چاپ لندن در لابلای سخنان از قبل سنجیده شده یی خودگفت:

«ما (که منظور از قوت های نظامی شان است) به خاطر پیشبرد سیاست های آموزشی و پرورشی، در یک کشور عقب ماندهء قرن سیزدهم (یعنی افغانستان در شرایط سیاسی و اجتماعی قرون وسطا قرار دارد) حضور نداریم، بلکه ما نیروهای نظامی خود را به هدف حمایت از مردم بریتانیا و منافع بین المللی خود در آن مستقر کرده ایم... حضور نظامی انگلیس در افغانستان ارتباطی با ارائه کمکهای بشردوستانه به آن کشور ندارد...».

پس از بازتاب گفته های وزیر دفاع انگلیس در رسانه های جمعی که خشم مردم افغانستان را در داخل و خارج کشور برانگیخت، از جانب سروران رژیم وابسته افغانستان، نیز عکس العمل های ظاهری نشان داده شد.

بر اساس گزارش رسانه های خبری، رئیس جمهور قلابی افغانستان، در نخستین سخنان خود در واکنش به این مطلب، مثل همیشه باپاشیدن خاک به چشم مردم پاك نهاد ما و «باقهر و غضب» تصنعی و زودگذر خود چنین گفت:

«... این سخنان نشانگر بی احترامی و بی اعتمادی متقابل از سوی دولت انگلیس است... با این اظهارات، بریتانیا همچنان به عنوان کشوری استعمارگر و نژادپرست شناخته خواهد شد... من بر این باورم که فاکس به آنچه بیان کرده است باور کامل دارد و از حمایت هایی نیز برخوردار است... اگر روابط دو کشور این گونه پیش برود باعث بروز مشکلاتی خواهد شد...».

و اما چند روزی از آن نگذشته بود که حامد کرزی که در کنار **دیوید کامرون**، نخست وزیر بریتانیا (وی نیز بدون اطلاع قبلی و بیگونه «غیرمنتظره» وارد کابل گردیده بود)، بتاريخ دهم جون، طی مصاحبه مطبوعاتی در شهر کابل در برابر پرسش یکی از خبرنگاران در مورد سخنان برهنه و شمرده شده ليام فاکس، با چرخش ۱۸۰ درجه ای، در دفاع از او قرار گرفت و به نماینده گی از وی، حرفهای اوراماست مالی نموده و یکبار به پیرهن و تنبان و چین ابریشمین خود، به چشم خبرنگاران درآمده و در پاسخ گفت که هدف «جناب ليام فاکس»، بی حرمتی نسبت به مردم و کشور افغانستان نبوده، بلکه مقصد آقای «ليام فاکس»، حمله نظامی شوروی به افغانستان و نتایج ناشی از آن بوده است! و... والله و بالله (یعنی شبهه به همین) اگر در گفته های ليام فاکس، کدام هدف دیگری نهفته بوده باشد!

باسخن خود رانمی بایست باخت خلق را از کارشان باید شناخت

ببینید هم میهن عزیز، تفاوت ره از کجا تا به کجاست؟

این اظهارات دومی حامد کرزی را چه میتوان تعبیر کرد؟ - بی شرمی، بی حیایی در انظار عامه، مردم فریبی، دروغ گویی، بی حرمتی به ندای وجدان؛ زیرا گذشتن سجایای اخلاقی، شهادت سیاسی و ...

طوری که بیان یافت، حامد کرزی در کنفرانس مطبوعاتی خود چنین گفته بود: «... من بر این باورم که فاکس به آنچه بیان کرده است باور کامل دارد و از حمایت هایی نیز برخوردار است...»؛ ولیک، آنگاهی که در کنار صدراعظم جدید انگلیس استاده شد، همه چیز را به فراموشی سپرده، از روی جبن، در واکنش به حتک حرمت که صورت گرفته بود، لعاب بیرون انداخته دهن خود را، با تبارز خوش خدمتی و چرپ زبانی، دوباره از روی زمین برداشت و یکسره بدون مقدمه و بی ارتباط با اصل قضیه، به رویداد های دهه هشتاد میلادی که دولت ج د افغانستان و مردم شرافتمند میهن مان به تأسی از جنگ تحمیلی و اعلان ناشده رقابت های دوران جنگ سرد، متحمل خسارات بیشمار جانی و مالی گردید، پناه برده و گفته های قبلی خود را بیشرمانه نفی کرد.

آری! جنگی اعلان نشده امپریالیستی که از قلمرو پاکستان بر ضد افغانستان به پیش برده می شد؛ پاکستانی که زادگاه و مرکز پرورش تروریستان و تنظیم های بدنام جهادی بود؛ تنظیم های که از حمایت بیدریغ سیاسی، مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی قدرت های استثماری، استعماری و غارتگر جهانی برخوردار بودند؛ و تحت تأثیر و رهنمایی و کنترل دستگاه های استخباراتی آنان مانند:

« سیا»، « موساد»، «ام - آی - شانزده» و یا «اس.آی.اس»، «آی اس آی» و غیره، وظایف تروریستی و تخریبی را در داخل افغانستان، انجام میدادند.

مزید بر آن ارتجاع عرب به سرکردگی عربستان سعودی، شیخ نشینان حوزه خلیج و مرتجعین حاکم بر دولت مصر؛ همچنان عظمت طلبان چینی، این آدمکشان و خرابکاران بیرحم را، تربیه، تمویل و تجهیز و غرض قتل و کشتار و ویرانی به کشور ما گسیل مینمودند که پی آمد نامیمون ناشی از آن، امروز در برابر دیدگان بشریت قرار دارد. مسؤولیت اعمال و حرکات خرابکارانه و تروریستی دست پروردگان دنیای غرب و ارتجاع عرب و منطقه که هنوز هم زیر نام **القاعده و طالب و مجاهد و...** فعال هستند، نه تنها به دوش این دین سالارن و تروریستان بی عاطفه داخلی بوده بلکه بعهدہ همه مشوقین و حمایه گران منطقوی و بین المللی آنان، از جمله دولت های انگلیس، آمریکا و پاکستان نیز (وحتابیشتر) میباشد؛ با تفاوت اینکه، در دهه شصت خورشیدی، ابعاد اعمال جنایت کارانه تنظیم های جهادی ساخت پاکستان به اشتراک رهنان و تروریست های عربی، سندی، پنجابی، کشمیری، ... (بالباز تنظیم های نه گانه ساخت رژیم قرون وسطایی ایران)، به مراتب گسترده تر، فاجعه بارتر، خرابکارانه تر، دهشت افکنانه تر و خونین تر بود نسبت به آنچه که امروز توسط اشغالگران و مزدوران زر خرید آنان از آن سوی دیورند بر ضد مردم و کشور ما، انجام می یابد؛ البته که بمباردمان های خشن و خونین هوایی و زمینی که قوای اشغالگرناتو و شرکاء به رهبری تفنگداران وحشی صفت امریکاکه در مناطق مختلف **افغانستان** انجام میدهند، به حیث حوادث بنیاد بر انداز و ویرانگر، ثبت صفحات تاریخ کشور ما میگردد.

اگر کرسی زره از حبت وطن و مردم را در دل میداشت، نه تنها گفته های قبلی خود راپس نمی گرفت، بلکه بدون ترس و محافظه کاری، به رئیس حزب محافظه کار انگلیس واضح می ساخت که افغانستان سرزمین عقب مانده نیست؛ **کشور نیست عمداً عقب نگه داشته شده**؛ و مسئولیت این عقب مانی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، بگردن استعمارگران انگلیس و امپریالیسم آمریکا میباشد که همواره از نظام های خودکامه، استبدادی، عقبگرا، قبیلہ سالار و ملاکین، اعیان و اشراف دربار... در مقابل شخصیت ها، جنبش و نیروهای ترقی خواه و تحول طلب در کشور ما، در همسویی بامناف خود پشتیبانی بعمل آورده اند.

اگر کرسی، به وطن و مردم خود صادق می بود، با صراحت می گفت :

- این استعمارگران انگلیسی بودند که جلو پیشرفت های علمی و تخنیکی و ترقی را در افغانستان گرفتند و به عوض آن با اجبر ساختن ملاحی انگریزی و روحانیون دین فروش داخلی به ترویج اندیشه های خرافی و جهالت پرستی در بین مردم، پرداختند.

اگر کرسی اندکی هم استقلال و استقرار فکری میداشت بدون پس گرفتن آن سخنان **«تندو تیز»** چند روز قبلی اش، میتوانست با صراحت تمام بگوید:

- این استعمارگران انگلیسی، بمثابة گنهکاران بزرگ تاریخ، بودند که پس از تقسیم نیم قاره هندو ایجاد پاکستان، به منظور عقب نگه داشتن کشور ما، از شاهراه تمدن و نیل به سایر امیال شوم و غارتگرانه خویش، از حکام ملکی و نظامی پاکستان استفاده نموده و مقاصد خود را در مراحل مختلف تاریخ، در افغانستان پیاده کرده اند؛ و این دانه سرطانی و لانه شیطانی تاکنون نقش کلیدی را در استقامت تأمین منافع انگلیس - آمریکا و دوام ضربات مرگبار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر پیکر خونین و جنگ زده میهن ما، مانند گذشته ایفا نموده و می نماید.

کرزی اگر عامل نیروهای شیطانی و اهریمنان غارتگر خارجی نمی بود، در جواب پرسش آن خبرنگار محترم بدون هراس از صدر اعظم انگلیس و با تأیید گفته های قبلی خود، می افزود:

- اگر هدف وزیر دفاع انگلیس، از مداخله نظامی شوروی در **افغانستان عقب نگه داشته شده** بوده باشد (که چنین نبود)، این انگریزها بودند که با اشتراک آمریکا و سایر نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی، با استفاده از خاک پاکستان بمثابة تخته خیز،

جنگ اعلان نشده بی را برضد افغانستان و مردم آن، سازماندهی و به راه انداختند تا زمینه دخالت ارتش شوروی را به افغانستان مساعد گردید. (۱).

درخور گفتن است که در نظام بی نظم و بی قانون کنونی افغانستان، تحت زعامت (!) کرزی، هرگونه پدیده منفی و شایسته نكوهش، از جمله فساد مالی و اداری و ریشه گیری روزافزون آن، بی توجه بی به خواسته های برحق مردم و حیف و میل دارایی های عامه... وجود دارد؛ و اگر کرزی اندکی هم وطنخواه و مردم دوست می بود، بجای پس گرفتن سخنان «غضب آلود» قبلی خود، باید اذعان میداشت که:

- مافیای مالی و اداری به دوران رسیده فعلی در افغانستان، عامل اصلی بروز همه این مصیبت های اقتصادی و اجتماعی در کشورمان اند؛ و این مافیای مالی و اداری خود مولود فعالیت های عیان و نهان اشغالگران میباشد که به بهانه های بازسازی و ایجاد نظام دموکراتیک...، در آرزوی به غارت بردن هست و بود مردم افغانستان، لنگر انداخته اند؛ و امراض علاج ناپذیر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در زدوبند های ناپاک مالی، اداری و سیاسی باهمه گروه های مافیایی، در جامعه ما بست و گسترش میدهند؛ و بدین ترتیب دورنگهداری جبری میهن ما از شاهراه تمدن بشری، کماکان در سیاست های استعماری و استثمار بیگانگان نهفته است که نشانه های روشن آن طوریکه گفته آمدیم، در وجود «دولت جمهوری اسلامی افغانستان» که مورد حمایت عام و تام اشغالگران ناتو، از جمله دولت انگلیس، قرار دارد، آشکار و قابل لمس است.

- کشت کوکنار و تولید تریاک آنهم به پیمانهای وسیع در ساحاتی مربوط این کشور عقب نگهداشته شده صورت میگیرد که زیر تسلط نظامیان انگلیس «متمدن» قرار داشته و معاملات پولی را با مافیای این عرصه، انجام میدهند.

- کشتار غیر نظامیان، بمباردمان روستا ها و تلاشی بی باکانه و خود سرانه منازل مسکونی مردم بی دفاع ما؛ همچنان صد هامصیبت و الم های تکاندنده دیگر که بوسیله نظامیان وحشی و اشغالگر بر مردم و کشور عقب نگهداشته شده ما رواداشته میشود، تا هنوز از جانب اشغالگران «متمدن» بدون پاسخ باقیمانده است.

- اگر رویداد های تاریخی و جنگ های تحمیلی استعمارگران انگلیس که طی سال های مربوط به قرن نهم و بیستم برضد افغانستان به راه انداخته شده بود، بدرستی نگریده شود، پاسخ عقب افتادگی اقتصادی و اجتماعی افغانستان بدست می آید، که نقش مرکزی و محوری را در آن، باز هم انگلیس هابازی کرده اند.

- اگر افغانستان منحصیث يك کشور عقب نگهداشته شده دست نگر، با مشکلات متعدد روبرو است، اما بربر های قرن بیست و یکم، به بهای هستی، خون و سرنوشت آینده بشریت، خواهان استقرار نظام دکتاتوری سرمایه داری، در کره خاکی می باشد.

اما نه! از دست نشانده و عروسك كوکی نباید چنین انتظاری را، داشت! هرگز و هرگز!

و به حسن اختتام با بیتی از لسان الغیب خواجه شیراز، رفع زحمت میکنم:

ای مگس، عرصه سیمرخ نه جولانگه تست عرض خود می بری و زحمت ما میداری

.....

(۱) - « به عقیده بخش قابل ملاحظه ای از مورخین سیاسی "جنگ سرد" درگیر ساختن شوروی در باتلاق جنگ افغانستان بخشی از پروژه سیاسی و پنهانی " سیا " بود که در سال های ریاست جمهوری جیمی کارتر در سال های

۱۹۷۸ - ۱۹۷۶ به مورد اجرا گذاشته شد... با تکیه بر منابع موثق، جنگ پنهانی آمریکا در افغانستان و استفاده از پاکستان به عنوان "سکوی پرش"، کارتر در دوران ریاست جمهوری خود، حتی نزدیک به ۷- هفت ماه پیش از مداخله نظامی شوروی در افغانستان، اولین دستور العمل رسمی کمک های پنهانی برای حمایت از مجاهدین و دیگر نیروهای مخالف دولت افغانستان را امضاء کرد سال ها بعد ، بریژینسکی در مصاحبه خود با نشریه نوول آبزرواتوار گفت :

در همان روز (۳ جولای ۱۹۷۹) به رئیس جمهوری خاطر نشان کردم که این حمایت ، ارتش شوروی را وادار به مداخله خواهد ساخت... عملیات مخفی "سیا" در افغانستان از طریق پاکستان " **اخته شده** " به دومانظور به مورد اجرا گذاشته شد . اول اینکه آمریکا می خواست با تضعیف و نابودی حزب حاکم در افغانستان بتدریج شوروی را درگیر عملیات نظامی در آن کشور ساخته و به قول زیبک بریژینسکی (رئیس شورای امنیت ملی آمریکا در دوره ریاست جمهوری کارتر) ، افغانستان را به " ویتنام شوروی " تبدیل سازد . دوم اینکه هیئت حاکمه آمریکا در تلاش بود که از نفوذ

شوروی به دیگر کشورهای آسیای جنوبی (از طریق افغانستان) جلوگیری کند. بر این اساس حمایت سیا از گروه ها و دسته های اسلامی از طریق پاکستان برای نابودی دولت سکولار افغانستان، بویژه بعد از مداخله نظامی شوروی در آن کشور، شدت یافت...»

(۱) **سایت راه کارگر** www.rahekargar.net

.....



دیوید کامرون و حامد کرزی در حال تجدید پیمان



معتز ضیین خشمگین بر ضد کشتار وحشیانه اشغالگران «**متمدن**» یا **بربرهای قرن بیست و یک**، شعار میدهند.

رسانه نور